

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال پنجم، شماره‌ی نوزدهم، بهار ۱۳۹۳، صص ۶۹-۹۲

وجوه کانونی ایرانیّت در متون درسی عصر پهلوی اول (کتب تاریخ، جغرافیا و ادبیات فارسی)

معصومه شکورقهاری*، محمدعلی اکبری**

چکیده

دولت مدرن پهلوی اول، سعی در اجرای تغییرات بنیادین در ایده‌ی ایرانیّت قدیم یا ایرانی‌بودن در افق تاریخی این سرزمین و ایجاد ایده‌ی ایرانیّت جدید بر طبق الگوی ایرانیّ تجدد داشت. در این مسیر، دستگاه‌های ایدئولوژیک نظیر نهاد تعلیم و تربیت و ابزارهای آموزشی همچون کتاب‌های درسی مورد استفاده‌ی این دولت قرار گرفت.

مقاله‌ی حاضر بر آن است تا با استفاده از روش کمی تحلیل محتوا که مبتنی بر آمار و ارقام می‌باشد، به بررسی وجوه کانونی ایرانیّت جدید در سه محور اساسی دولت، کشور و ملت بپردازد. به همین منظور، ۳۷ کتاب درسی تاریخ، جغرافیا و ادبیات فارسی عصر پهلوی اول مورد بررسی کمی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که سیاست‌گذاران آموزشی و مؤلفان کتاب‌های درسی در انعکاس مفاهیم و مصادیق کانونی ایرانیّت جدید بیشترین تأکیدشان معطوف بر وجه دولت بوده و از میان مفاهیم مرتبط با دولت، مفهوم «شاه» با ۲۳۵۳ بار تکرار، بیشترین میزان فراوانی وجه سیاسی ایرانیّت جدید را به خود اختصاص داده است.

واژه‌های کلیدی: دولت، کشور، ملت، ایرانیّت جدید، کتاب‌های درسی عصر پهلوی اول.

* دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

ایمیل: (m.shakoorghahari@yahoo.com)

** دانشیار تاریخ دانشگاه شهید بهشتی تهران. ایمیل: (akbari_39@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۲/۰۲ - تاریخ تائید: ۹۳/۰۳/۳۱

مقدمه

دولت پهلوی اول، بر پایه‌ی ایدئولوژی ناسیونالیسم تجددخواه در پی ساخت «ایرانیستی» جدید بود. این تصویر جدید و روایت تازه از عنصر ایرانی، که از آن به پروژه‌ی «ملت‌سازی» نیز تعبیر می‌شود، در کتاب‌های درسی تجلی یافته و آموزش آن در مدارس جدید - که جای مکتب‌خانه‌های سنتی پیشین را گرفته بود - اجباری شد. مهم‌ترین دروسی که در آن بر ایرانیت جدید تأکید می‌شد، دروسی نظیر تاریخ، جغرافیا و ادبیات فارسی بود. در مسیر تحقق، پروژه‌ی ملت‌سازی این عصر در محتوای متون دروس مذکور تولید و یا بازتعریف وجوهی مشترک در زمینه‌های سیاست، مدنیت، فرهنگ، تاریخ، مذهب و تبار ایرانی الزامی بود. ارزیابی‌های کمی صورت گرفته در تمامی وجوه مشترک ایرانیت جدید، بیانگر آن است که وجه سیاسی در کانون پروژه‌ی ملت‌سازی عصر پهلوی اول قرار داشته است. این وجه، بیشترین میزان توجه سیاست‌گذاران آموزشی و مؤلفین کتاب‌های درسی را نیز به خود اختصاص داده است. از آنجایی که ذکر کلیه‌ی وجوه مشترک مذکور ضروری نمی‌نماید؛ در این مقاله، سعی شده تنها وجه کانونی که همان وجه سیاسی است در سه مؤلفه‌ی اساسی دولت، کشور و ملت مورد ارزیابی قرار گیرد.

بر این اساس، پرسش اصلی مقاله آن است که سیاست‌گذاران آموزشی و نویسندگان کتاب‌های درسی عصر پهلوی اول، چه رویکردی بر وجوه کانونی پروژه‌ی ملت‌سازی داشته‌اند و براساس این رویکرد بیشترین میزان توجه‌شان به کدام یک از مفاهیم دولت، ملت و کشور معطوف بوده است؟

بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در این رابطه، بیانگر آن است که در زمینه‌ی پروژه‌ی هویت‌سازی عصر پهلوی اول، آثار ارزشمندی نظیر تبارشناسی هویت جدید ایرانی عصر قاجاریه و پهلوی اول به قلم محمدعلی اکبری، هویت ایرانی به سه روایت اثر احمد اشرف، ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی در ایران و دیباچه‌ای بر مفهوم همبستگی ملی به قلم حسین بشیریه و نیز درباره‌ی هویت ملی و پروژه ملت‌سازی اثر داریوش آشوری و ... منتشر شده است. پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی ملت‌سازی و همبستگی ملی در کتاب‌های درسی نیز بیشتر در حوزه‌ی علوم اجتماعی و بر مفاهیمی همچون هویت ملی، قومی و یا دینی به ویژه در عصر حاضر (نظام جمهوری اسلامی)

۷۱ وجوه کانونی ایرانیّت در متون درسی عصر پهلوی اول

معطوف بوده است. آثاری نظیر *هویت اقوام ایرانی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و راهنمایی* نوشته‌ی داور شیخاوندی، *همبستگی ملی در کتب درسی دوره‌ی ابتدایی* (مورد مطالعه: کتاب‌های فارسی) اثر حاکم قاسمی، *هویت ملی در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش به قلم ابراهیم خدایار و اعظم فتحی*، *کتاب‌های درسی و هویت ملی* اثر جعفرزاده و ... از این دسته‌اند. اما اندک پژوهش‌هایی نیز در رابطه با پروژه‌ی ملت‌سازی و انعکاس آن در کتاب‌های درسی عصر پهلوی اول به چشم می‌خورد. از جمله‌ی این آثار، باید به رساله‌ی ایران در کتاب‌های درسی دوره‌ی پهلوی اول نوشته‌ی اکبر تقی‌زاده (بنیاد ایران‌شناسی) اشاره کرد. در این رساله، نویسنده ضمن اشاره‌ای گذرا به کتاب‌های تاریخ و جغرافیای مدارس، تنها کتاب‌های ادبیات فارسی عصر پهلوی اول را با استفاده از روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار داده است. از بین مقالات منتشر شده در این حوزه نیز باید به مقالات ارزشمندی نظیر «پروژه ملت‌سازی و آموزش تاریخ در کتاب‌های درسی عصر پهلوی اول» به قلم محمدعلی اکبری و «نمودهای ناسیونالیسم در کتاب‌های درسی تاریخ دوره پهلوی اول» (غلامرضا وطن‌دوست، سیمین فصیحی، زهرا حامدی) برگرفته از رساله‌ی دکتری زهرا حامدی با عنوان مبانی ایدئولوژی حاکمیت و تأثیر آن بر متون و مواد درسی در عصر پهلوی اول (دانشگاه الزهرا) اشاره کرد. در مقاله‌ی نخست، نویسنده پروژه‌ی ملت‌سازی را در کتاب‌های درسی تاریخ مدارس عصر پهلوی اول، مورد توجه قرار می‌دهد. نویسنده‌ی مقاله‌ی دوم نیز پدیده‌ی ناسیونالیسم را در کتاب‌های درسی تاریخ مقطع ابتدایی آن عصر، بررسی کرده است. در این مقاله، مؤلفه‌هایی نظیر باستان‌گرایی، میهن‌دوستی و شاه‌پرستی به مثابه مظاهر ناسیونالیسم در متون درسی تاریخ دوره ابتدایی مورد توجه بوده است. وجه ممیزه‌ی مقاله‌ی حاضر نسبت به موارد ذکر شده موضوع، روش و جامعه‌ی آماری مورد مطالعه است. در واقع در این مقاله، رویکردی تخصصی به مؤلفه‌های کانونی ملت‌سازی عصر پهلوی اول یعنی دولت، کشور و ملت مورد نظر بوده و کتاب‌های درسی تاریخ، جغرافیا و ادبیات فارسی مدارس در کلیه‌ی مقاطع (ابتدایی و دبیرستان) مورد بررسی قرار گرفته است. روش به کار گرفته شده در این پژوهش، روش کمی تحلیل محتوا می‌باشد. بر مبنای این روش، موارد کدگذاری شده با استفاده از برنامه‌ی کامپیوتری Excel و نرم‌افزار Spss قابل شمارش شده و جداول و نمودارهای مورد نیاز

استخراج می‌شود. بهره‌گیری از این روش، مقاله‌ی حاضر را در نوع خود بدیع می‌نماید. بدین ترتیب، ابتدا ضمن بیان جامعه‌ی آماری کتاب‌های درسی مورد مطالعه و تفکیک موضوعی و مقطعی این کتب، پیشینه‌ی تاریخی فرآیند دولت - ملت‌سازی و وجوه سیاسی ایرانیتِ جدید را در سه مبحث مجزای دولت، کشور و ملت پی‌گرفته و انعکاس کمی مفاهیم مرتبط را در جداول و نمودارهایی مجزا مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱. جامعه‌ی آماری کتاب‌های مورد بررسی

در این پژوهش، ۳۷ کتاب درسی عصر پهلوی اول شامل ۱۱ کتاب تاریخ، ۸ کتاب جغرافیا و ۱۸ کتاب ادبیات فارسی مورد بررسی کمی قرار گرفته است. از آنجایی که تا سال پنجم ابتدایی، دانش‌آموزان کتاب تاریخ و جغرافیای مجزایی نداشته‌اند و در واقع کتاب فارسی در برگیرنده‌ی مطالب تاریخی - جغرافیایی نیز بود، تعداد بیشتری از کتاب‌های ادبیات فارسی در این بررسی، استفاده شده است. این کتاب‌ها، براساس مقطع تحصیلی به شرح ذیل می‌باشند:

جدول (۱) - تعداد کتاب‌های بررسی شده به تفکیک مقطع تحصیلی

کل	مقطع تحصیلی														تعداد	
	دبیرستان							ابتدایی								
	دوره اول	دوره دوم	سه پایه	چهار پایه	پنج پایه	شش پایه	هفت پایه	پنج و ششم	سه پایه	چهار پایه	پنج پایه	شش پایه	هفت پایه	شش پایه		
۳۷	۲	۱	۱	۰	۱	۶	۱	۵	۵	۲	۴	۲	۲	۲	۳	
۱۰۰۰	۵.۴	۲.۷	۲.۷	۰.۰	۲.۷	۱۶.۰	۲.۷	۱۳.۰	۱۳.۰	۵.۴	۱۰.۰	۵.۴	۵.۴	۵.۴	۸.۱	در صد

شایان ذکر است که کتاب‌های این دوره، به دو قسمت پروگرامی و وزارتی قابل تقسیم‌بندی می‌باشند. منظور از کتاب‌های پروگرامی، کتاب‌هایی است که پیش از یکسان‌سازی کتب درسی، براساس آخرین پروگرام شورای عالی معارف تهیه می‌شد. کتاب‌های وزارتی نیز کتاب‌هایی را در برمی‌گیرند که در راستای یکسان‌سازی کتب درسی، مطابق مصوبه‌ی هیأت وزیران، تألیف و چاپ آنها در مقطع ابتدایی از ۱۳۰۷ شمسی و در مقطع دبیرستان از

وجوه کانونی ایرانیّت در متون درسی عصر پهلوی اول ۷۳

۱۳۱۷ شمسی در انحصار دولت و زیر نظر وزارت معارف و بعدها وزارت فرهنگ قرار گرفت. در کتاب‌های وزارتی، مؤلفین موظف بودند مطالبی نظیر میهن‌پرستی، شاه‌پرستی، راست‌گفتاری، درست‌کرداری را به رشته‌ی تحریر درآورند که «علاوه بر موارد علمی و ادبی، موید خصال ملی و ملکات راسخه باشند که از عهد باستان سرشته‌ی نهاد ایرانیان بوده است.»^۱

در این پژوهش، ۴۸/۶ درصد کتاب‌های وزارتی و ۵۱/۴ درصد کتاب‌های پروگرامی بررسی شده است.

۲. پیشینه‌ی تاریخی فرایند دولت - ملت

«ملت» پدیده‌ای است که ظهور تاریخی دارد؛ بدان معنا که پیدایش آن ناگهانی و رویدادی یک روزه نبوده، بلکه تحت تأثیر عوامل بیشماری در درازای زمان و به کندی پدیدار گشته است. در واقع، ظهور ملت و آغاز پیدایش آن به مفهوم امروزش در اروپا، به تدریج از عصر جدید یعنی دوره‌ای که از آن به تجدید حیات و یا «رنسانس» تعبیر می‌شود آغاز شد،^۲ و صورت دولت - ملت نیز ماحصل ایده‌های مدرن درباره‌ی ماهیت دولت و نظام سیاسی‌ای بود که با پیدایش جامعه‌ی صنعتی نخست در آمریکا و اروپا و سپس در سایر سرزمین‌ها و قاره‌ها جای‌گیر شد.^۳

در ایران با وقوع انقلاب مشروطه، نخستین شکل دولت مدرن پدیدار گشت، اما این دولت به دلیل ضعف ساختاری و مداخله‌ی بیگانگان، نتوانست به تمرکز قدرت لازم به منظور ایجاد یکپارچگی ملی پردازد.^۴ با تأسیس سلسله‌ی پهلوی اول (۱۳۰۴ش)، سرآغاز دوران حکومت مطلقه‌ی مدرن ایرانی شکل گرفت. این دولت، در شرایطی پدیدار شد که خواست‌های انباشت‌شده‌ی گروه‌های اجتماعی گوناگون، ناکامی‌های کابینه‌های پس از استقرار مشروطیت و مهم‌تر از آن چشم‌داشت‌های نیروهای اجتماعی همراه و حامی این دولت، آن را ناگزیر از انجام پروژه‌ی نوسازی می‌کرد. یکی از مهم‌ترین ارکان نوسازی

۱. سالنامه آمار ۱۳۱۵ الی ۱۳۱۷، تهران: وزارت فرهنگ، صص ۳۳-۳۴.

۲. عبدالمجید ابوالحمد، (۱۳۷۶)، *مبانی سیاست*، تهران: توس، ص ۱۱۶.

۳. داریوش آشوری، (۱۳۷۷)، *ما و مدرنیّت*، تهران: صراط، ص ۱۷۷.

۴. داریوش قنبری، (۱۳۸۵)، *دولت مدرن و یکپارچگی ملی در ایران*، تهران: تمدن ایرانی، ص ۷۰.

ایران در این عصر را ملت‌سازی تشکیل می‌داد.^۱ در جریان ملت‌سازی، این دولت در پی ایجاد ایده‌ی ایرانیت جدید بود. ایرانیت در مفهوم قدیم آن ساختاری موزاییکی را شامل می‌شد که در این ساختار، ایلات و عشایر، جماعت‌های روستایی و گروه‌های شهری در هیچ یک از حوزه‌های دینی، مذهبی و زبانی از یکپارچگی لازم برخوردار نبودند. به همین منظور در جریان بازتولید مفهوم ایرانیت جدید، وجوه مشترک سیاسی، تاریخی، فرهنگی، مدنی، دینی و تباری مورد توجه نظریه‌پردازان سیاسی و نیز سیاست‌گذاران آموزشی عصر پهلوی اول قرار گرفت. در میان وجوه مشترک مذکور، بیشترین میزان توجه سیاست‌گذاران آموزشی و مؤلفین کتاب‌های درسی بر وجه سیاسی معطوف بوده است. این وجوه به ترتیب: دولت (شاه)، وطن (مادر) و ملت (فرزندان) را در بر می‌گرفت.

۳. وجوه کانونی ایرانیت جدید

الف - ۳. شاه (پدر)

در مسیر پروژه‌ی ملت‌سازی دولت پهلوی اول، مؤلفین کتب درسی موظف به ارائه‌ی تعریفی روشن از «دولت ایرانی» بودند. نظریه‌پردازان سیاسی آن دولت، همواره احیای ایران باستان را مدنظر داشته و «کوروش کبیر»، بنیان‌گذار سلسله هخامنشیان را «مؤسس شاهنشاهی ایران» می‌دانستند. این اندیشه، در محتوای متون درسی آن عصر نیز انعکاس یافت. در این متون، ایران مملکتی با قدمت سه‌هزارساله معرفی می‌شد که «پادشاهان مختلف در آن حکمرانی می‌کردند و بیشتر آنها ایرانی بودند.^۲ متون درسی، کورش را بنیان‌گذار امپراطوری عظیم ایرانی و «پدر» وطن^۳ می‌خوانند و وی را پادشاهی عاقل و رشید^۴ معرفی می‌کنند که مملکتی به اسم ایران تشکیل داد. سپس دوران حکمرانی «داریوش کبیر» را منتهای درجه‌ی عظمت و شوکت ایران دانسته^۵ و همچنین به سلسله

۱. محمدعلی اکبری، (۱۳۸۴)، *تبارشناسی هویت جدید ایرانی*. تهران: علمی فرهنگی، ص ۲۲۴-۲۲۳.

۲. حبیب‌الله آموزگار، (۱۳۰۶)، *فارسی‌آموز، دوره ابتدایی قسمت دوم*، تهران: وزارت معارف: ص ۵۰.

۳. عباس اقبال آشتیانی، (۱۳۱۵)، *تاریخ عمومی و ایران اول دبیرستان*، بی‌جا: شرکت مطبوعات، ص ۱۴۳.

۴. محمدعلی فروغی، (۱۳۰۸)، *تاریخ مختصر ایران و عالم پنجم و ششم ابتدایی*، تهران: علمی، ص ۸.

۵. مترجم همایون، (۱۳۴۴ق)، *جغرافیای راهنما کلاس پنجم و ششم ابتدایی*، بی‌جا: کتابخانه علمیه اسلامی،

وجوه کانونی ایرانیّت در متون درسی عصر پهلوی اول ۷۵

ساسانیان مباحث کرده و آن را مایه افتخار ایرانیان و نظیر دولت هخامنشی می‌دانند^۱ و به متعلمین می‌آموزند که «اکثر سلاطین ساسانی عادل و بزرگوار بوده ... و دوره‌ی ساسانیان بهترین اوقات مملکت ما بوده است.»^۲

در واقع مؤلفین کتب درسی، در راستای اهداف ملت‌سازی، شاه را پدر مهربان ایرانیان معرفی می‌کنند و با تشبیه همه‌ی ملت ایران به یک خانواده می‌نویسند: «اگر همه مردم ایران را به یک خانواده مانند کنیم، کشور ایران خانه آنهاست و رئیس این خانه‌ی بزرگ شاه است. شاه برای ایرانیان چون پدری مهربان است ما همه به جای فرزندان او هستیم.»^۳ سپس یادآور می‌شوند که «ما پادشاه خود را دوست داریم. پادشاه نگهبان کشور است. پادشاه، پدر ما ایرانیان است. ما فرزندان او هستیم و از جان و دل او را دوست داریم.»^۴ و متذکر می‌شوند که: «شاه ما اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی است و ما او را دوست می‌داریم و فرمانش را از دل و جان می‌پذیریم. پدران ما هم همیشه شاه‌پرست بودند و به فرزندان خود همواره می‌گفته‌اند اول خدا دوم شاه»^۵ بدین ترتیب متعلمین می‌آموزند که اطاعت از فرمان شاه از واجبات است. در واقع نویسندگان این متون با هم‌ردیف قرار دادن اطاعت از شاه با اطاعت از خدا و پیغمبر، دانش‌آموزان را به شاه‌پرستی تشویق و ترغیب می‌کند.^۶ مؤلفین کتاب‌های درسی همچنین، پادشاه را «حافظ مُلک و نگهبان ملت»^۷ خوانده و به کرات به عدل پادشاه اشاره می‌کنند،^۸ و ضمن تأکید بر ضرورت عدل پادشاه، پادشاه عادل را سایه‌ی لطف خدا در زمین می‌خوانند.^۹ در حقیقت هدف مؤلفین این متون از بیان این

۱. تاریخ مختصر ایران و عالم پنجم و ششم ابتدایی، ص ۳۹.

۲. غلامرضا رشید یاسمی، (۱۳۰۹)، تاریخ ایران پنجم و ششم ابتدایی، تهران: مجلس، ص ۱۵.

۳. کتاب دوم ابتدایی (۱۳۱۹)، تهران: وزارت معارف، ص ۱۱۷.

۴. کتاب اول ابتدایی، (۱۳۱۶)، تهران: وزارت معارف، ص ۲۶.

۵. همان.

۶. محمدتقی بهار و دیگران، (۱۳۱۸)، فارسی اول دبیرستان، تهران: وزارت معارف، ص ۲۷۷؛ نیز کتاب

سوم ابتدایی، (۱۳۰۸)، تهران: وزارت معارف، ص ۴.

۷. فره‌وشی، (۱۳۰۶)، دستور دانش، چهارم ابتدایی، بی‌جا: کتابخانه ایران، ص ۲۷.

۸. فارسی اول دبیرستان، ص ۱۱۱.

۹. همان، ص ۱۱۱.

اشعار و پرسش‌ها، تعمیم دادن نظریه‌ی ایرانی‌شاهی آرمانی در دوره‌ی پیش از اسلام، به عصر پادشاه زمان خود است.^۱

در قطعه‌ی «اطاعت پادشاه»، برگرفته از نصیحه‌الملوک اثر امام محمد غزالی، این اندیشه‌ی باستانی به روشنی به دانش‌آموزان آموخته می‌شود. در این متن، ضمن اشاره به «السلطان ظل الله فی الارض» به این آیه‌ی کریمه از قرآن که می‌فرماید: «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» اشاره شده و این‌گونه تفسیر می‌شود که مطیع باشید خدایا و پیغمبران را و امیران خویش را. پس هر که را خدای تعالی دین داده است باید که مر پادشاهان را دوست دارد و مطیع باشد و بداند که این پادشاهی خدای تعالی دهد و این کس را دهد که خود خواهد.^۲

همان‌گونه که متن فوق گویاست، پادشاهان همچون پیغمبران برگزیدگان خدا خوانده شده‌اند که اطاعت از ایشان هم‌ردیف اطاعت از خدا و پیغمبر دانسته شده است. در پایان این متن، دانش‌آموزان موظفند به این پرسش پاسخ دهند که اطاعت پادشاه از چه جهت واجب است؟

اندیشه‌ی ایرانی‌شهری همچنین به صورت دوگانه‌ی شبان - گوسفند نیز در متون درسی منعکس می‌شود:

هر که را خسروییست فرخنده	باش آسوده کوبه روز و شبان
گوسفندان ز گرگ بی‌خبرند	هست همراهشان چون مرد شبان
سایه شه بود بر سر خلق	ایمن است از جفای دست و زبان

همچنین گفته می‌شود: «خسروی که مملکت بستم خراب گذارد و رونق حال خلق و سامان کار رعیت جوید شبانی را ماند که گوسفند در شوره‌زار چراند و دل بفریبشان قوی دارد.^۳

۱. کتاب فارسی پنجم پسران، (۱۳۱۱)، تهران: مجلس، ص ۱۴۱؛ براساس این نظریه پادشاه عادل صاحب «فرآیندی» بوده و نظم و امنیت تا زمانی در کشور وجود دارد که پادشاهی عادل و دارنده‌ی فرآیندی بر آن فرمانروایی کند؛ (سیدجواد طباطبایی، (۱۳۸۲)، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه‌ی سیاسی در ایران، تهران: کویر، ص ۴۳-۴۴).

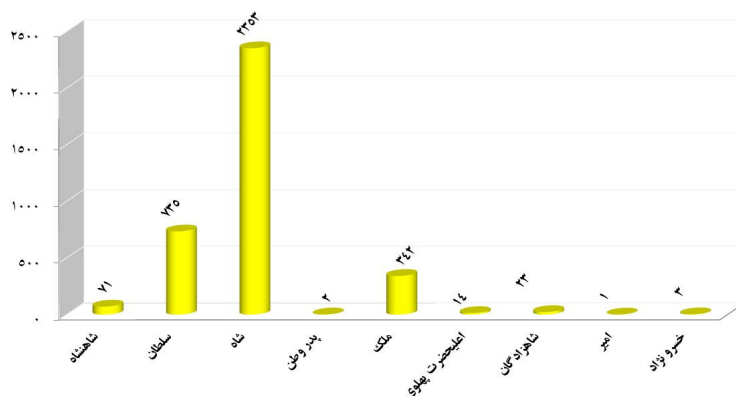
۲. فارسی اول دبیرستان، ص ۳۹-۳۸.

۳. عبدالعظیم قریب‌گرگانی، (۱۳۰۳)، فرآیند/لادب، دوره سوم، پنجم و ششم ابتدایی، تهران: علمی، ص ۴۷.

وجوه کانونی ایرانیت در متون درسی عصر پهلوی اول ۷۷

هدف از بیان این متون، تعمیم و نهادینه‌سازی این اندیشه به عصر پادشاهی رضاشاه است. در برخی از متون درسی، مستقیماً به لزوم شاه‌پرستی و ستایش و سپاس از رضاشاه پهلوی اشاره می‌شود.^۱ بررسی کمی مفاهیم مرتبط با مفهوم «شاه»، بیانگر این است که خود کلمه‌ی شاه به تنهایی با ۲۳۵۳ بار تکرار در کتاب‌های درسی دوره‌ی پهلوی اول، بیشترین رکورد و بالاترین میزان فراوانی از بین تمامی مفاهیم کدگذاری شده را به خود اختصاص داده است. همچنین مجموع مفاهیمی که هم معنی با شاه بوده ۳۵۴۴ بار در کتب درسی تکرار شده است. نمودار زیر بیانگر میزان این مفاهیم به تفکیک می‌باشد:

نمودار (۱) - فراوانی مفاهیم مربوط به وجه سیاسی - دولت ۱



میزان فراوانی هر یک از این مفاهیم در کتاب‌های تاریخ، جغرافیا و ادبیات فارسی به تفکیک در جدول ذیل آمده است:

جدول (۲) - فراوانی مفاهیم مربوط به وجه سیاسی - دولت ۱ به تفکیک عنوان کتاب

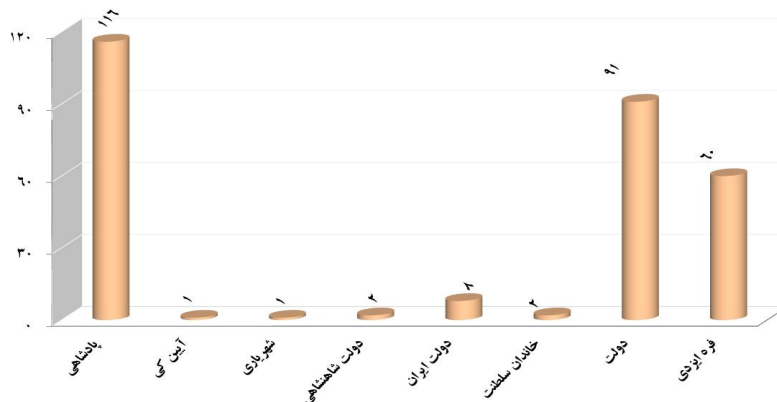
عنوان کتاب	شاهنشاه	سلطان	شاه	پدر وطن	ملک	اعلیحضرت پهلوی	شاهزادگان	امیر	خسرو نژاد	کل
تاریخ	۲۴	۱۵۱	۷۸۲	۰	۰	۱۱	۱۸	۰	۰	۹۸۶
جغرافیا	۱	۳	۱۷	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۲۲
ادبیات فارسی	۴۶	۵۸۱	۱۵۵۴	۲	۳۴۲	۲	۵	۱	۳	۲۵۳۶
کل	۷۱	۷۳۵	۲۳۵۳	۲	۳۴۲	۱۴	۲۳	۱	۳	۳۵۴۴

۱. تاریخ ایران پنجم و ششم ابتدایی، ص ۱۶۰.

این مفاهیم به تفکیک ۲۰۶۸ بار در کتب مقطع ابتدایی (اول ۷ بار، دوم ۵۸ بار، سوم ۱۰۴ بار، چهارم ۲۷۸ بار، پنجم ۴۶۰ بار، ششم ۱۴۹ بار و پنجم و ششم مشترک ۱۰۱۲ بار) و ۱۴۷۶ بار در کتب مقطع دبیرستان (اول ۳۸۱ بار، دوم ۵۵ بار، سوم ۳۳۷ بار، چهارم ۱ بار، ششم ۴ بار، اول و دوم مشترک ۲۸۸ بار و سوم و چهارم مشترک ۴۱۰ بار) آمده است. همچنین براساس مرجع چاپ این کتب، ۱۸۲۶ بار در کتاب‌هایی که براساس پروگرام شورای عالی معارف تهیه شده (۷۲۶ بار در کتاب تاریخ، ۱۳ بار در کتاب جغرافی و ۱۰۸۷ بار در ادبیات فارسی) و ۱۷۱۸ بار در کتاب‌های وزارتی یعنی کتبی که زیر نظر وزارت معارف / فرهنگ تألیف شده (۲۶۰ بار در کتاب تاریخ، ۹ بار در کتاب جغرافی و ۱۴۴۹ بار در کتاب ادبیات فارسی) آمده است.

از سوی دیگر، نمودار زیر مفاهیمی که دربرگیرنده‌ی مفهوم «نهاد سلطنت» و دولت در ایران می‌باشند را بازگو می‌کند.

نمودار (۲) - فراوانی مفاهیم مربوط به وجه سیاسی - دولت ۲



میزان فراوانی هر یک از این مفاهیم در کتاب‌های درسی به شرح ذیل می‌باشد:

وجوه کانونی ایرانیت در متون درسی عصر پهلوی اول ۷۹

جدول (۳) - فراوانی مفاهیم مربوط به وجه سیاسی - دولت ۲ به تفکیک عنوان کتاب

کل	فره ایزدی	دولت	خاندان سلطنت	دولت ایران	دولت شاهنشاهی	شهریاری	آیین کی	پادشاهی	
۱۳۵	۲	۸۷	۲	۷	۰	۰	۰	۳۷	تاریخ
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	جغرافیا
۱۴۶	۵۸	۴	۰	۱	۲	۱	۱	۷۹	ادبیات فارسی
۲۸۱	۶۰	۹۱	۲	۸	۲	۱	۱	۱۱۶	کل

این مفاهیم به تفکیک ۱۹۰ بار در مقطع ابتدایی (سوم ۲۲ بار، چهارم ۲۲ بار، پنجم ۱۶ بار، ششم ۱ بار و پنجم و ششم مشترک ۱۲۹ بار) و ۹۱ بار در مقطع دبیرستان (اول ۱۴ بار، دوم ۱۹ بار، سوم ۳۲ بار، اول و دوم ۲ بار، سوم و چهارم ۲۴ بار) آمده است. همچنین براساس مرجع چاپ این کتب، ۱۲۵ بار در کتاب‌هایی که براساس پروگرام شورای عالی معارف تهیه شده‌اند به تفکیک (۷۷ بار در کتاب تاریخ و ۴۸ بار در کتاب‌های ادبیات فارسی) و ۱۵۶ بار در کتاب‌های که زیر نظر وزارت معارف / فرهنگ تألیف شده به تفکیک (۵۸ بار در کتاب تاریخ و ۹۸ بار در ادبیات فارسی) آورده شده است.

از آنجایی که هر دوی این وجوه، دربرگیرنده‌ی مفهوم دولت می‌باشند در مجموع این دو مفهوم، به صورت یکجا ۳۸۲۵ بار در کتاب‌های درسی تاریخ، جغرافیا و ادبیات فارسی دولت پهلوی اول تکرار شده‌اند، که این میزان بالاترین میزان از تمامی وجوه کانونی ایرانیتِ جدید را در کتب درسی به خود اختصاص داده است.

ب-۳. وطن (مادر)

«ملت» و به تبع آن همبستگی ملی، زمانی مفهوم پیدا می‌کند که گروهی از افراد به مکان جغرافیایی خاص و یا سرزمینی با مرزهای مشخص تعلق داشته باشند. در حقیقت میهن، وطن و یا به تعبیر سیاسی، کشور یکی از عناصر تشکیل دهنده‌ی دولت مدرن و تعلق افراد به سرزمینی خاص از ضروریات ملت‌سازی است. دولت مدرن پهلوی اول نیز در مسیر فرایند ملت‌سازی، نیازمند ارائه‌ی تعریفی واضح و روشن از سرزمینی بود که «ملت ایران»

تعلق بدان داشتند. از آنجایی که کتاب‌های درسی یکی از ابزارهای مهم القاکننده‌ی اهداف ایدئولوژیک دولت بودند، مؤلفین کتاب‌های درسی به ویژه جغرافیانویسان آن عصر، بر آن شدند که «ایران»، سرزمین و موطن اصلی ایرانیان - از هر قوم و با هر زبانی که باشند - را به وضوح معرفی نموده و تمامی مردم ایران را به یک مکان جغرافیایی خاص منتسب نمایند.

نویسندگان این متون، متذکر می‌شوند که دنیا فقط منحصر به مملکت ایران نیست؛ در روی زمین ممالک زیادی است که باید دانش‌آموزان اسامی از اوضاع طبیعی و سیاسی ممالک عالم و حالات مردمانش مطلع شوند.^۱ آنها به مخاطبان خود توصیه می‌کنند که «همان‌طور که هر کس باید حدود خانه خود را بداند و همسایگان خویش را بشناسد، از حدود مملکت و وطن خود نیز باید آگاه باشد و بداند که با کدام قوم و ملت همسایه است.»^۲ سپس مؤلفین کتاب‌های درسی به دانش‌آموزان می‌آموزند که «ایران خانه ما است.»^۳ «ایران میهن ما است پدران ما در ایران زندگانی کرده‌اند ما هم در این سرزمین زندگانی می‌کنیم»^۴ و «عزیزترین قطعات زمین برای ما ایران است.»^۵ در کتاب چهارم ابتدایی، در پاسخ به این سؤال که وطن یعنی چه؟ آمده است: «وطن یعنی جایی که نیاکان و پدران ما در آن زندگانی کرده و اینک در زیر خاک آن مدفون‌اند... تمام چیزهایی که ما دوست می‌داریم همه در یک کلمه جمع شده که آن را ایران یعنی وطن می‌نامیم.»^۶ همان‌طور که عبارات و متون فوق گویاست، در بیان معرفی سرزمین ایران، از واژگانی استفاده شده است که بیانگر تعلق تمامی ایرانیان به یک خاک و سرزمین واحد بوده و ناخودآگاه حب وطن و احساس وطن‌پرستی و عشق به سرزمین آبا و اجدادی را نیز به دانش‌آموزان منتقل می‌کند. علاوه بر این، آن‌چه که دانستنش برای دانش‌آموزان ضروری

۱. احمد سعادت، (۱۳۰۴)، دوره اول لالی‌الادب، دوم ابتدایی، بی‌جا: بی‌نا، ص ۸۶.

۲. کتاب سوم ابتدایی، ص ۱۸۶.

۳. کتاب دوم ابتدایی، (۱۳۱۹)، ص ۱۴۰.

۴. همان.

۵. کتاب سوم ابتدایی، ص ۵.

۶. دستور دانش، چهارم ابتدایی، ص ۶۶.

وجوه کانونی ایرانیت در متون درسی عصر پهلوی اول ۸۱

است، این است که مردم ایران از هر شهر و قصبه و دهاتی که باشند، با یکدیگر هم‌وطن‌اند و «تمام این شهرها و قصبه‌ها و دهات مملکت ایران را تشکیل داده‌اند که وطن ما محسوب است و مردم آنجاها هم‌وطن ما می‌باشند پس وطن ما ایران است و ما ایرانی هستیم.»^۱ مؤلفین کتب درسی، سپس در بیان موقعیت و حدود جغرافیایی ایران به قرار گرفتن ایران در قاره‌ی آسیا اشاره کرده و می‌نویسند «ایران ما یک قسمت از آسیاست»^۲ «آسیا بزرگترین قطعات زمین است و پیش از دیگر قطعات آباد شده و دارای تمدن گردیده است.»^۳ توصیف ارائه شده از قاره‌ی آسیا و قرار گرفتن ایران در این قاره، نوعی احساس غرور را در ذهن دانش‌آموزان القا می‌کند؛ از سوی دیگر، اروپا به عنوان کوچک‌ترین قاره معرفی می‌شود و ایران به گونه‌ای به تصویر کشیده می‌شود که «به تنهایی برابر است با سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه.»^۴

اغلب نویسندگان کتاب‌های درسی، به وسعت مرزهای ایران در گذشته‌ی باستانی اشاره می‌کنند و ضمن افتخار به وسعت سرزمین نیاکانشان، به از دست رفتن بخش‌هایی از این سرزمین در طول تاریخ غبطه خورده و اظهار تأسف می‌کنند.^۵ در کتاب‌های درسی «حدود فعلی ایران» این گونه ترسیم می‌شود: «قلمرو ایران کنونی تقریباً به اندازه یک ربع ایران قدیم است؛ حدشمالی ایران ترکستان غربی و بحر خزر و قفقاز است حد غربی آن بین‌النهرین و ترکیه و حد جنوبی خلیج پارس و بحر عمان حدشرقی افغانستان و بلوچستان انگلیس.»^۶ «ایران» همچنین کشوری غنی و دارای منابع طبیعی و فراوانی نظیر معادن نفت،

۱. فارسی‌آموز، دوره ابتدایی قسمت دوم، ص ۱۷-۱۶.

۲. کتاب سوم ابتدایی، ص ۳۹.

۳. کتاب چهارم ابتدایی، (۱۳۱۶)، تهران: وزارت معارف، ص ۷۹.

۴. عزت پور، (بی تا)، جغرافیای نو، سوم دبیرستان، تهران: مظفری، ص ۸۵.

۵. حبیب‌الله آموزگار، (۱۳۰۳)، دوره فارسی آموز، چهارم ابتدایی، ج ۴، شیراز: مؤلف، ص ۴؛ عزت پور، ص ۸۶.

۶. مهندس السلطان، (۱۳۰۹)، جغرافیای جدید فرهنگ مظفری، پنجم و ششم ابتدایی، تهران: بی نا، ص ۲۷؛ حسین گل‌گلاب، (۱۳۱۰)، مجموعه امیر، دوره جغرافیا سوم متوسطه، تهران: شرکت مطبوعات، ص ۱۲۱؛ جغرافیای ایران برای سال ششم ابتدایی، (۱۳۰۹)، تهران: فرهنگ، ص ۵۵-۵۹؛ جغرافیای نو، سوم دبیرستان، ص ۶۸؛ جغرافیای پنج قطعه برای سال پنجم ابتدایی، (۱۳۰۹)، تهران: فرهنگ، ص ۱۶-۱۸.

زغال‌سنگ، مس، آهن، سرب، فیروزه و دیگر فلزات سفید و احجار قدیمی معرفی می‌شود.^۱

علاوه بر کتاب‌های جغرافیا، معرفی و شناساندن ایران به عنوان سرزمین ایرانیان در کتاب‌های فارسی مدارس نیز به چشم می‌خورد. در سال اول ابتدایی، به اطفال می‌آموزند که «ایران از ممالک خوب دنیاست»^۲ و این مملکت مأمن و وطن همه ایرانیان است. کشور ایران که زید جاویدان هست و وطن بر همه ایرانیان... اهل وطن زاده‌ی این مآدرند یاور و غمخوار به یکدیگرند^۳ همچنین در قطعه‌ی منظوم «کشور ایران» اثر هنر تیریزی در کتاب فارسی سال سوم دبیرستان آمده است:

ای همایون مرز شاهان کیان
ای نگارستان دارای بزرگ
ای خجسته کشور ساسانیان
ای بهارستان ساسان و کیان...

ای کنام شیرمردان دلیر
می‌نترسد شیر از بانگ شغال
زاد و بوم خسروان باستان
همچنان از زوزه‌ی سگ کاروان
بدتوان کوشید با شیر ژیان
کو سخن راند ز ایران بر زبان
دشت ایرانست نیاز پلنگ
با پلنگ آویختن آرد زیان^۴

اهمیت پرداختن به مسأله‌ی وطن به گونه‌ای بود که در کتاب‌های درسی عصر پهلوی اول کلمه‌ی «ایران» به تنهایی پس از کلمه‌ی «شاه» بیشترین میزان فراوانی را (۱۵۱۷ مورد) به خود اختصاص داده است.

۱. کتاب چهارم/ابتدایی، (۱۳۱۶)، ص ۲۵۰؛ لالی‌الادب، ص ۵۹.

۲. احمد سعادت، (۱۳۰۴)، دستور سعادت، اول/ابتدایی، بمبئی، ص ۳۸.

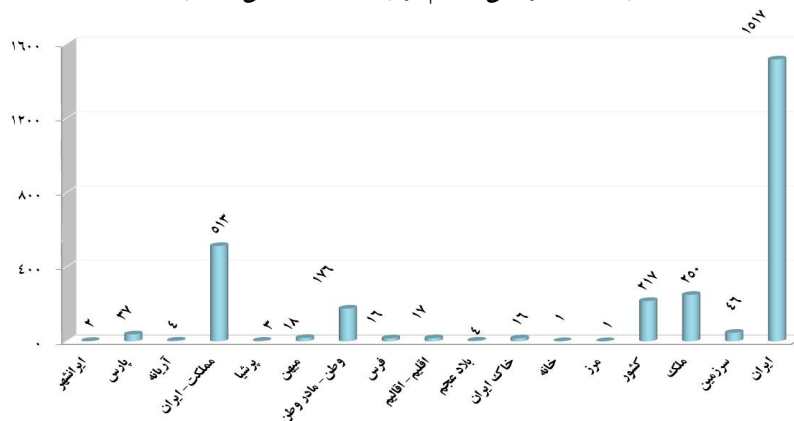
۳. همان، ص ۴۱.

۴. اسماعیل امیرخیزی، (۱۳۱۵)، قطعات منتخبه از نظم و نثر فارسی، سوم دبیرستان، تیریز: سعدی، ص ۲۵-۲۶.

وجوه کانونی ایرانیت در متون درسی عصر پهلوی اول ۸۳

نمودار زیر بیانگر میزان فراوانی آن مفاهیمی از «ایران» است که به عنوان وطن یا سرزمین ایرانیان معرفی شده است.

نمودار (۳) - فراوانی مفاهیم مربوط به وجه سیاسی - کشور



میزان فراوانی هر یک از این مفاهیم در کتاب‌های تاریخ، جغرافیا و ادبیات فارسی در جدول ذیل آورده شده است.

کل	ادبیات فارسی	جغرافیا	تاریخ	
۲	۰	۲	۰	ایرانشهر
۳۷	۳۲	۳	۲	پارس
۴	۰	۴	۰	اریانه
۵۱۳	۲۸۴	۲۱	۲۰۸	مملکت - ایران
۳	۰	۳	۰	پوشیا
۱۸	۱۵	۲	۱	میهن
۱۷۶	۱۶۵	۱	۱۰	وطن - مادر وطن
۱۶	۱۳	۳	۰	فرس
۱۷	۱۷	۰	۰	اقليم - اقلیم
۴	۱	۱	۲	بلاد عجم
۱۶	۹	۰	۷	خاک ایران
۱	۱	۰	۰	خانه
۱	۱	۰	۰	مرز
۲۱۷	۱۱۷	۳۸	۶۲	کشور
۲۵۰	۲۴۷	۰	۳	ملک
۴۶	۲۱	۱۳	۱۲	سرزمین
۱۵۱۷	۶۶۸	۱۶۹	۶۸۰	ایران
۲۸۳۸	۱۵۹۱	۲۶۰	۹۸۷	کل

این مفاهیم به تفکیک ۱۸۸۳ بار در کتب مقطع ابتدایی (اول ۵۱ بار - دوم ۱۲۴ بار - سوم ۱۳۶ بار - چهارم ۳۷۶ بار - پنجم ۲۳۳ بار - ششم ۱۶۳ بار - پنجم و ششم مشترک ۷۰۰ بار) و ۹۵۵ بار در کتب مقطع دبیرستان (اول ۲۹۹ بار - دوم ۸۱ بار - سوم ۳۰۴ بار - چهارم ۳ بار - ششم ۱۲ بار - اول و دوم مشترک ۷۴ بار - سوم و چهارم مشترک ۱۸۲ بار) آمده است. این میزان ۱۳۸۲ بار در کتاب‌هایی که براساس پروگرام شورای عالی معارف تهیه شده (۶۲۶ بار در کتاب تاریخ، ۱۸۸ بار در کتاب جغرافیا و ۵۶۸ بار در کتاب ادبیات فارسی) و ۱۴۵۶ بار در کتاب‌هایی که زیر نظر وزارت معارف (فرهنگ) به رشته تحریر در آمده بود (۳۶۱ بار در کتاب تاریخ، ۷۲ بار در کتاب جغرافیا و ۱۰۲۳ بار در کتاب ادبیات فارسی) آورده شده است.

ج-۳. ملت (فرزندان)

کوشش برای درهم آمیختن قوم‌ها در درون یک واحد یگانه‌ی ملی و یکپارچه کردنشان به ویژه از نظر زبانی حرکتی بود که ناسیونالیسم اروپایی در قرن ۱۹ میلادی آغاز کرد،^۱ و در قرن بیستم به ما تسری یافت. دولت پهلوی اول نیز کوشید تا در این راستا گام بردارد و پروژه‌ی «ملت‌سازی» را به سرانجام رساند. نظریه پردازان سیاسی این دولت، موظف به ارائه‌ی تصویری رسمی از «ایرانی جدید» بودند. در همین راستا تکیه بر گذشته‌ی پرافتخار ایران و تأکید بسیار بر ویژگی‌ها و خصایل اخلاقی «ایرانیان قدیم» همواره مدنظر مؤلفین کتاب‌های درسی بوده است. ذکاءالملک فروغی معمار و ایدئولوژی پرداز ایرانیست جدید، تصویری که از ایرانی در اذهان دانش آموزان ترسیم می‌کند این گونه است: «مملکت ما ایران است و ما ایرانی هستیم. پدران ما هم ایرانی بوده‌اند ایرانیان قوم خیلی قدیمی هستند اما ایرانی‌های قدیم با ایرانی‌های حالا خیلی تفاوت داشتند.»^۲ فروغی هم چنین در جای دیگر می‌نویسد: «بعضی از اقوام و ملل زودتر از دیگران متمدن شده‌اند و برخی دیرتر، آنها که

۱. ما و مدرنیت، ص ۱.

۲. محمدعلی فروغی، (۱۳۳۷ق)، دوره مختصر تاریخ ایران برای متعلمین مدارس ابتدایی، تهران: چاپ سنگی، ص ۶-۷؛ محمدعلی فروغی، (۱۳۰۸)، تاریخ مختصر ایران، سال سوم و چهارم مدارس ابتدایی، تهران: شرکت مطبوعات، ص ۲-۳.

وجوه کانونی ایرانیّت در متون درسی عصر پهلوی اول ۸۵

زودتر به تمدن رسیده‌اند ملل قدیمه خوانده می‌شوند و دیگران ملل جدیده هستند. ما ایرانیان از ملل قدیمه هستیم زیرا که بیش از سه هزار سال است با تمدن زندگانی می‌کنیم و دو هزار و پانصد سال است که سلطنت و دولت معتبری تشکیل داده‌ایم.^۱

از آنجایی که تکیه بر «نژاد»، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ایدئولوژی دولت پهلوی اول بود بنابراین مؤلفین کتاب‌های درسی نیز در ارائه‌ی تصویر ایرانی و ملت ایران به کرات به نژاد ایرانیان اشاره کرده و می‌نویسند: «مردم ایران از نژاد آریایی می‌باشند.»^۲ مؤلفین متون درسی سپس با تأکید بر ضمیر «ما» در رابطه با ملت ایران می‌نویسند: «ما ایرانی‌ها به طور کلی منسوب به یک ملت و یک نژاد بوده‌ایم و تمامی ساکنین این خاک از فرات و دجله تا سیحون و جیحون، دارای دین و عادات و رسوم و اخلاق مشترک بوده و جملگی خود را ایرانی می‌دانسته‌اند.»^۳

آنها همچنین دانش‌آموزان را به اتحاد و یکدلی تشویق کرده و ایرانیان را «برادر و اعضای یک خانواده»^۴ معرفی می‌کنند و متذکر می‌شوند که «هموطنان شما به منزله‌ی برادران شما هستند آنان را دوست بدارید... و برادروار باید دست به دست یکدیگر داده در شرافت و استقلال و ترقی ایران بکوشید.»^۵ این اتحاد و یکدلی ایرانیان قدیم، رمز موفقیت و پیروزی آنان شمرده شده و به دانش‌آموزان تأکید می‌شود: «فرزندان عزیز، ایرانیان قدیم چون با یکدیگر متفق و متحد بودند و در امانت و صداقت و راستی و درستی می‌کوشیدند، از بزرگترین ملل عالم به شمار بودند و شرق و غرب جهان را به حیظه‌ی تصرف داشتند و اگر ما بخواهیم فرزندان خلف آن نیاکان باشیم، باید با یکدیگر متحد باشیم و برای ترقی و استقلال وطن عزیز خود بکوشیم.»^۶ تأکید بر وحدت و همبستگی ملی در بسیاری از متون درسی عصر پهلوی اول به چشم می‌خورد نویسندگان این متون به کودکان می‌آموزند:

۱. تاریخ مختصر ایران و عالم، پنجم و ششم ابتدایی، ص ۲.

۲. کتاب چهارم ابتدایی، (۱۳۱۰)، تهران: وزارت معارف، ص ۲۷۶.

۳. عبدالحسین شبیانی و دیگران، (۱۳۲۰)، تاریخ سوم دبیرستان. تهران: بروخیم، ص ۶۲.

۴. دستور سعادت، ص ۳۹.

۵. دستور دانش، چهارم ابتدایی، ص ۱۳۲.

۶. عبدالعظیم قریب گرگانی، (۱۳۱۶)، فرات‌الادب، سوم و چهارم متوسطه، تهران: علمی، ص ۲۰۷.

«کسانی که در شهر ما متولد شده‌اند و ... و با ما زندگانی می‌کنند همشهری ما هستند و مردم یک شهر یا یک قصبه یا یک ده همدیگر را همشهری و یا هم‌ولایتی می‌گویند... مردمان شهرها و قصبه‌ها و دهات با یکدیگر هموطن هستند و در نفع و ضرر مملکتی با هم شریکند. تمام این شهرها و قصبه‌ها و دهات مملکت ایران را تشکیل داده‌اند که وطن ما محسوب است و مردم آنجاها هموطنان ما می‌باشند پس وطن ما ایران است و ما ایرانی هستیم و باید ایران و ایرانی را دوست بداریم و همیشه در خوشی و ناخوشی و نفع و ضرر و شادی و غم با هم شرکت کنیم و تمام نقاط ایران را خانه خود بدانیم و از حمله‌ی دشمنان آن را حفظ کنیم و در آبادی و ترقی آن بکوشیم.»^۱

با توجه به کثرت اقوام مختلف ساکن در ایران، نویسندگان کتاب‌های درسی ناگزیر بودند برای ارائه‌ی تصویری رسمی از ایرانیت جدید، به حضور اقوام مختلف نیز اشاره نمایند، اما آنچه همبستگی ملی را نزد دانش‌آموزان یادآور می‌شود آن است که با وجود تنوع اقوام مختلف ساکن در ایران، «خوشبختانه آن وحدتی که برای یگانگی قومی لازم است، در بین سکنه‌ی ایران موجود می‌باشد. و اهالی این کشور در یک تاریخ و یک جغرافی و یک ادبیات شریک هستند و آمال ملی تمام ایرانیان یکی است.»^۲ و اقوام ایرانی لر، کرد، ترک، بلوچ و... همگی ایرانی و از نژاد آریایی هستند. میزان توجه کتاب‌های درسی به مسأله‌ی قومیت‌ها چندان زیاد نیست بیشترین توجه به این مقوله، در کتاب‌های جغرافیا به چشم می‌خورد و همان‌طور که ذکر شد به منظور ایجاد وحدت ملی و همبستگی بیشتر، تأکید نویسندگان این کتاب‌ها بر ایرانی و آریایی بودن تمامی اقوام ایرانی معطوف است.^۳

نمودار زیر بیانگر مفاهیمی است که در کتب درسی عصر پهلوی اول در برگیرنده‌ی مفهوم «ملت ایران» می‌باشد:

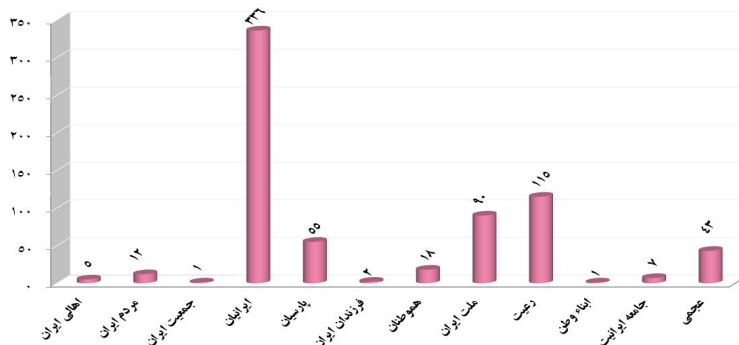
۱. فارسی‌آموز، دوره ابتدایی، قسمت دوم، (۱۳۰۶)، ص ۱۷-۱۶.

۲. جغرافیای نو، سوم دبیرستان، ص ۸۸.

۳. همان، ص ۱۱۷-۱۱۵؛ جغرافیای ایران، ص ۷۲.

وجوه کانونی ایرانیت در متون درسی عصر پهلوی اول ۸۷

نمودار شماره (۴) - فراوانی مفاهیم مربوط به وجه سیاسی - ملت



میزان فراوانی هر یک از این مفاهیم در کتاب‌های تاریخ، جغرافیا و ادبیات فارسی به تفکیک در جدول ذیل آمده است.

جدول شماره (۵) - فراوانی مفاهیم مربوط به وجه سیاسی - ملت به تفکیک عنوان کتاب

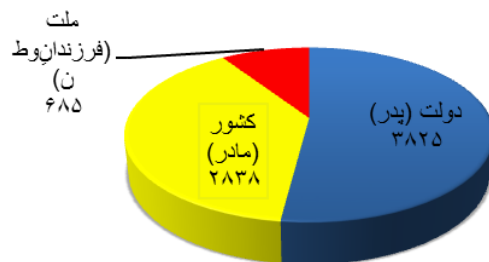
عنوان کتاب	اهالی ایران	مردم ایران	جمعیت ایران	ایرانیان	پارسیان	فرزندان ایران	هموطنان	ملت ایران	رضیت	ایناه وطن	جامعه ایرانیست	عجمی	کل
تاریخ	۰	۵	۰	۲۲۷	۱۸	۰	۰	۱۵	۷	۰	۱	۹	۲۸۲
جغرافیا	۵	۰	۱	۳۱	۲	۱	۰	۷	۰	۰	۵	۰	۵۲
ادبیات فارسی	۰	۷	۰	۷۸	۳۵	۱	۱۸	۶۸	۱۰۸	۱	۱	۳۴	۳۵۱
کل	۵	۱۲	۱	۳۳۶	۵۵	۲	۱۸	۹۰	۱۱۵	۱	۷	۴۳	۶۸۵

این مفاهیم به تفکیک مقطع تحصیلی ۳۳۷ بار در کتب مقطع ابتدایی (اول ۱۰ بار، دوم ۱۱ بار، سوم ۱۷ بار، چهارم ۲۷ بار، پنجم ۸۲ بار، ششم ۱۸ بار و پنجم و ششم مشترک ۱۷۲ بار) و ۳۴۸ بار در مقطع دبیرستان (اول ۱۱۱ بار، دوم ۴۰ بار، سوم ۹۶ بار، چهارم ۶ بار، ششم ۹ بار، اول و دوم مشترک ۲۳ بار، سوم و چهارم مشترک ۶۳ بار) آمده است. همچنین براساس مرجع این کتب، میزان فراوانی مفهوم ملت در کتاب‌هایی که براساس پروگرام شورای عالی معارف تهیه شده‌اند ۳۶۶ بار به تفکیک: کتاب تاریخ ۱۵۰ بار، کتاب جغرافی ۴۳ بار و کتاب ادبیات فارسی ۱۷۳ بار و در کتاب‌هایی که زیر نظر وزارت معارف / فرهنگ تألیف شده‌اند ۳۱۹ بار به تفکیک: تاریخ ۱۳۲ بار جغرافی ۹ بار و ادبیات فارسی ۱۷۸ بار آمده است.

نتیجه

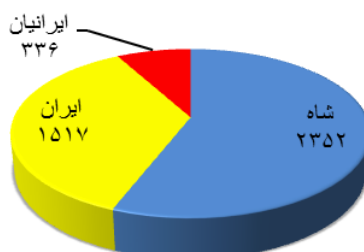
دولت پهلوی اول توجهی جدی نسبت به کارکرد آموزش رسمی مدارس داشته و بسیاری از اهداف ایدئولوژیک خود را به واسطه‌ی بهره‌گیری از ابزارهای آموزشی نظیر کتاب‌های درسی به دانش‌آموزان امروز که آن‌ها را مردان فردا و تشکیل‌دهندگان جامعه‌ی ایرانی می‌دانست القا و در اذهان ایشان نهادینه می‌ساخت. یکی از مهم‌ترین اهداف این دولت، ارائه‌ی تصویری رسمی از ایرانیت جدید بود؛ وجوه سیاسی ایرانیت جدید در کانون توجهات نظریه‌پردازان سیاسی و سیاست‌گذاران آموزشی آن دولت قرار داشت. این وجوه، به ترتیب: دولت؛ و در رأس آن شاه را که پدر ایرانیان خوانده می‌شد و وطن؛ که مادر ایرانیان و ملت؛ که فرزندان این مرز و بوم بودند را در برمی‌گرفت.

یافته‌های تحقیق حاضر، حاکی از آن است که از بین وجوه سیاسی ایرانیت به ترتیب دولت با ۳۸۲۵ بار میزان فراوانی بیشترین میزان و سپس کشور با ۲۸۳۸ بار فراوانی و ملت با ۶۸۵ بار میزان فراوانی را در کتاب‌های درسی عصر مورد نظر به خود اختصاص داده‌اند.



از میان مفاهیم مرتبط با دولت، کلمه‌ی «شاه» با ۲۳۵۲ بار فراوانی بیشترین میزان از مجموع ۳۸۲۵ بار فراوانی مفهوم دولت را که در دو بخش دولت (۱) و (۲) مورد بررسی قرار گرفته است به خود اختصاص داده؛ همچنین در میان مفاهیم مرتبط با کشور کلمه‌ی «ایران» با ۱۵۱۷ بار فراوانی بیشترین میزان از مجموع ۲۸۳۸ بار فراوانی مفهوم کشور را شامل شده و در نهایت در میان مفاهیم مرتبط با ملت کلمه‌ی «ایرانیان» با ۳۳۶ بار فراوانی از مجموع ۶۸۵ بار مفاهیم هم‌معنی با ملت بیشترین میزان را دارا می‌باشد.

وجوه کانونی ایرانیت در متون درسی عصر پهلوی اول ۸۹



بدین ترتیب در پاسخ به پرسش اصلی این مقاله، باید اذعان داشت در مسیر پروژه‌ی ملت‌سازی عصر پهلوی اول، رویکرد سیاست‌گذاران آموزشی آن عصر، بیش از هر چیز بر توجه ویژه و اهمیت بخشی بر دولت و به طور خاص بر شخص شاه به عنوان پدر ایرانیان معطوف بوده و تغییر تدریجی القا حس شاه‌پرستی به جای شاه دوستی در طول دوران حاکمیت رضاشاه به ویژه در سال‌های پایانی سلطنت وی نیز در همین راستا صورت پذیرفت. پس از آن، «وطن» که از آن به «مادر وطن» تعبیر می‌شد و سپس ملت به عنوان فرزندان وطن در کانون توجهات کارگزاران ملت‌سازی بوده است. در مجموع می‌توان گفت: دولت پهلوی اول با در اختیار داشتن نهاد تعلیم و تربیت و به انحصار در آوردن تألیف و چاپ کتاب‌های درسی، عناصر و ارزش‌های مورد نیاز پروژه‌ی ملت‌سازی را در اذهان مخاطبان خود القا و نهادینه ساخته و در این مسیر بر بازتعریف مفهوم دولت (شاه / پدر) توجهی ویژه داشت.

فهرست منابع و مآخذ

- آشوری، داریوش، (۱۳۷۷)، *ما و مدرنیت*، تهران: صراط.
- آموزگار، حبیب‌الله، (۱۳۰۳)، *دوره فارسی‌آموز، چهارم ابتدایی*، ج ۴، شیراز: مؤلف.
- _____، (۱۳۰۶)، *فارسی‌آموز، دوره/ابتدایی، قسمت دوم*، تهران: وزارت معارف.
- ابوالحمد، عبدالمجید، (۱۳۷۶)، *مبانی سیاست*، تهران: توس.
- اکبری، محمدعلی، (۱۳۹۱)، «پروژه ملت‌سازی و آموزش تاریخ در کتاب‌های درسی عصر پهلوی اول»، *تاریخ ایران*، ش ۱۲، تابستان و پاییز.
- _____، (۱۳۸۴)، *تبارشناسی هویت جدید ایرانی*، تهران: علمی و فرهنگی.
- اقبال آشتیانی، عباس، (۱۳۱۵)، *تاریخ عمومی و ایران، اول دبیرستان*، بی‌جا: شرکت مطبوعات.
- امیرخیزی، اسماعیل، (۱۳۱۵)، *قطعات منتخبه از نظم و نثر فارسی، سوم دبیرستان*، تبریز: سعدی (مطبعه حسینی).
- بهار، محمدتقی، غلامرضا رشید یاسمی، بدیع‌الزمان فروزانفر، عبدالعظیم قریب‌گرگانی، جلال همائی، (۱۳۱۸)، *فارسی اول دبیرستان*، تهران: وزارت معارف.
- _____، (۱۳۱۹)، *فارسی دوم دبیرستان*، تهران: مجلس.
- *جغرافیای پنج قطعه برای سال پنجم ابتدایی و جغرافیای ایران برای سال ششم ابتدایی*، (۱۳۰۹)، تهران: فرهنگ.
- رشید یاسمی، غلامرضا، (۱۳۰۹)، *تاریخ ایران، بنجم و ششم ابتدایی*، تهران: مجلس.
- سالنامه آمار ۱۳۱۵ الی ۱۳۱۷، تهران: وزارت فرهنگ.
- سعادت، احمد، (۱۳۰۴)، *دستور سعادت، اول ابتدایی*، بمبئی: مظفری.
- _____، (۱۳۰۴)، *دوره اول لآلی‌الادب، دوم ابتدایی*، بی‌جا: بی‌نا.
- شمیم، علی‌اصغر، (۱۳۱۶)، *جغرافیای عمومی دوره اول دبیرستان*، ج ۳، تهران: فرهنگ.
- شیبانی، عبدالحسین، غلامرضا رشید یاسمی، رضازاده شفق، حسین فرهودی، نصرالله فلسفی، (۱۳۲۰)، *تاریخ سوم دبیرستان*، تهران: بروخیم.
- طباطبایی، سیدجواد، (۱۳۸۲)، *درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه‌ی سیاسی در ایران*، تهران: کویر.
- عزت‌پور، (بی‌تا)، *جغرافیای نو، سوم دبیرستان*، تهران: مظفری.
- فروغی، محمدعلی، (۱۳۰۸)، *تاریخ مختصر ایران (سال سوم و چهارم مدارس ابتدایی)*، تهران: شرکت مطبوعات.
- _____، (۱۳۰۸)، *تاریخ مختصر ایران و عالم، پنجم و ششم ابتدایی*، تهران: مطبعه علمی.
- _____، (۱۳۳۷ق)، *دوره مختصر تاریخ ایران برای متعلمین مدارس ابتدایی*، تهران: چاپ سنگی.
- فره‌وشی (مترجم همایون سابق)، (۱۳۰۶)، *دستور دانش، چهارم ابتدایی*، بی‌جا: کتابخانه ایران.

وجوه کانونی ایرانیت در متون درسی عصر پهلوی اول ۹۱

- _____، (۱۳۴۴ق)، *جغرافیای راهنما، کلاس پنجم و ششم ابتدایی*، بی جا: علمیه اسلامیة. اخوان کتابچی.
- قریب گرگانی، عبدالعظیم، (۱۳۰۳)، *فرائدالادب، دوره سوم، پنجم و ششم ابتدایی*، تهران: علمی.
- _____، (۱۳۱۶)، *فرائدالادب، سوم و چهارم متوسطه*، تهران: علمی.
- قنبری، داریوش، (۱۳۸۵)، *دولت مدرن و یکپارچگی ملی در ایران*، تهران: تمدن ایرانی.
- *کتاب اول ابتدایی*، (۱۳۱۶)، تهران: وزارت معارف.
- *کتاب فارسی پنجم پسران*، (۱۳۱۱)، تهران: مجلس.
- *کتاب چهارم ابتدایی*، (۱۳۱۰)، تهران: وزارت معارف.
- _____، (۱۳۱۶)، تهران: وزارت معارف.
- *کتاب دوم ابتدایی*، (۱۳۱۹)، تهران: وزارت معارف.
- *کتاب سوم ابتدایی*، (۱۳۰۸)، تهران: وزارت معارف.
- کیهان، مسعود و علی اصغر شمیم، نصرالله فلسفی، محمد محیط طباطبایی، (۱۳۱۹)، *جغرافیای سوم دبیرستان*، تهران: وزارت فرهنگ.
- گل گلاب، حسین، (۱۳۱۰)، *مجموعه امیر، دوره جغرافیا، سوم متوسطه*، تهران: مطبوعات.
- مهندس السلطان، (۱۳۰۹) *جغرافیای جدید فرهنگ مظفری، پنجم و ششم ابتدایی*، تهران: بی نا.

